

مسلم داوودی نژاد، روان‌شناس و متخصص حوزه خانواده:

مهم‌ترین نیاز امروز جوانان «مقبولیت» است

نیره ساری به‌اعتقاد یک روان‌شناس، متخصص و مدرس در حوزه خانواده گفت‌وگو با «جوان» باورود به یکی از مهم‌ترین چالش‌های نسل جوان که امروز با آن مواجه است، گفت: نظارت درونی و خودعقلی یکی از مهم‌ترین چالش‌هاست. وی باورود دقیق به این کلمه آن را مورد بررسی قرار داد و گفت: ما دو نوع نظارت داریم که یکی بیرونی دیگری درونی است. در نظارت درونی یعنی من خود مراقب خودم باشم اما در نظارت بیرونی، یعنی من از چراغ قرمز حتی در زمان خلوت هم عبور نمی‌کنم، به دلیل اینکه دوربین ناظر بر رفتار من خواهد بود. در نظارت بیرونی با همه بازدارندگی‌ها یک نفاق مخفی وجود دارد، یعنی پسر مقابل پدر سیگار نمی‌کشد اما در خفا سیگار می‌کشد. در نظارت بیرونی ما مسئولیت‌پذیر هستیم چراکه دوربین، قانون و افراد ما را کنترل می‌کنند اما در نظارت درونی یک خود کنترلی وجود دارد.

به اعتقاد حجت‌الاسلام داوودی نژاد حلقه مفقوده امروز تربیت جوانان نظارت درونی است، او درباره آن یادآور شد: ما روزوالدین روی دختر خانواده برای تربیت و رفت و آمد کنترل ندارند یا مسلط نیستند و این کنترل در مورد پسران کمتر هم است. بعد دیگری که وی «نظارت درونی» را مورد بررسی قرار داد به لحاظ دینی بود و درباره آن اضافه کرد: نظارت درونی در نگاه روان‌شناسان همان خود فرمانی عقلی است، اما مبلغان دین به آن تقوای حضور می‌گویند. ما دو مدل تقوا داریم؛ یکی تقوای «هیز» و دیگری تقوای «حضور».

در تقوای هیزجینس جلدت و خلوت من با یکدیگر فرق دارد، به این معنی که در برابر چشم شما مراعات دارم و در نبود شما خود را موظف به رعایت ندانم. دکتر داوودی نژاد ادامه داد: در تقوای حضور و خود عقلی نظارت درون انسان می‌گوید من خودم مراقب خودم هستم، به عنوان مثال خود تصمیم دارم سیگار نکشم، به مغازه مردم آسیب نزتم، دزدی نکنم که ما در این زمینه کم کار کردیم و نیاز به جهان‌بینی، ایدئولوژی و تغییر رفتار دارد. ما صرفاً فقط خواستیم برای جوان تغییر رفتار ایجاد کنیم، در حالی که روی تغییر نگرش، باور و ایدئولوژی او کار نکردیم. در نگاه این روان‌شناس امروز حلقه مفقوده جوانان نظارت درونی و خود فرمانی عقلی است که نیازمند یک مسیر تربیتی است.

وی در توضیح بیشتر این مسیر تربیتی برای نیل به «خود نظارتی» تصریح کرد: سال‌هاست روان‌شناسان دعو دارند که میان ژنتیک، محیط و همت افراد کدامیک مؤثر است. برخی اساسان انسان را ژنتیک می‌دانند، رفتار گراها معتقد به تربیت از طریق محیط هستند، برخی نیز معتقد به اراده هستند و اراده را منجر به تغییر می‌دانند اما اسلام هم به ژنتیک و هم به محیط اعتقاد دارد. دکتر داوودی نژاد در توضیح دقیق نگاه اسلام به این مسیر تربیتی گفت: آیت‌الله مظاهری عالم و مرجع که متخصص در حوزه تربیتی – اخلاقی هستند، معتقدند محیط و ژنتیک، جاده و همت حرکت است. در واقع به اعتقاد این عالم قدرت همت از همه چیز



بیشتر است، چنانچه یک بچه خوب را در یک خانواده بد تبدیل به بچه‌ای بد کند و یک بچه بد را در خانواده‌ای خوب تبدیل به بچه‌ای خوب کند. وی تأکید کرد: اساساً ژنتیک هم بسیار مهم است و امروز خانواده‌ای که به ژنتیک اهمیت نداده، ثمره آن را کف خیابان می‌بیند. والدینی که محیط، محل زندگی، رشد و تربیت فرزندشان برای آنها مهم نیست، نتیجه عملی آن را بعدها شاهد خواهد بود.

وی با وورد به بحث تغییر رفتار توضیح داد: اراده نیاز به یک



والدین باید بدانند با هر خطای جوان صرفاً یک نمره منفی داده شود نه اینکه او را از گردونه خارج کنیم، چه بسا حتی کسانی بودند که مرود شدند و برگشتند، در نتیجه هر اندازه جوان را خوب ببینیم، خوب می‌شود چرا که روان‌شناسان معتقدند شخصیت افراد بر اساس نگاه افراد به آنها شکل می‌گیرد

هادیانه نیکی با جوانان رسول اکرم (ص): اَوْصِيْكُمْ بِالسَّبَّانِ خَيْرًا فَإِنَّهُمْ أَرْقُ أَفْنَدَةً. إِنَّ اللَّهَ يَغْتَسِنُ بِسَيِّئِهِ وَتَذِيْرِهِ أَفْعَالُفَنِي السَّبَّانِ وَخَالِفْنِي السَّبِيْوُخَ. / سفارش می‌کنم شما را که با جوانان به خوبی و نیکی رفتار کنید، چرا که آنان ناز کدل تروند، خداوند مرا به وی بسیار بی‌انگیزخت، این جوانان بودند که به من گرویدند و یاری‌ام کردند. اما بزرگسالان به مخالفت با من برخاستند. (سفینه البحار، ج ۲، ص ۱۷۶)

گروه سبک زندگی

پرونده

مطالبات نسل جوان

وی مهم‌ترین گامی که والدین برای نزدیک شدن به فرزندان بردارند را مورد اشاره قرار داد و گفت: بعد مشورتی با همان وزارت مهم‌ترین بعد است. اگر وزارت و رفاقت اتفاق افتد، نظارت آسان خواهد شد، یعنی اگر کاری در خانه می‌خواهید انجام دهید با جوان خود مشورت کنید. اینکه برخی جوانان در جامعه رفتار ناهنجار دارند یا ناخوداگاه می‌خواهند عرض‌اندام کنند، برخاسته از همین عدم‌مقبولیت در خانواده است.

وی باورود به حوادث اخیر در کشور یادآور شد: در همین اغتشاشات اخیر داشتیم جوانانی که یک شبه می‌خواستند پول به دست آورند، در نتیجه این پول صرفاً یک در آمد نیست بلکه یک «قدرت» و به دست آوردن یک «جایگاه» است، در حالی که اگر این جایگاه در خانواده و خانه به جوان داده می‌شد، کمتر شاهد بروز چنین رفتارهایی بودیم. اگر با جوان رقیق باشیم به مرحله نظارت هم خواهیم رسید.

این متخصص و مدرس در حوزه خانواده در مورد نیاز و مطالبه اصلی امروز جوانان با عبور از مصادیقی مثل شغل و ازدواج ادامه داد: آنچه مورد نیاز امروز جوانان است و در صورت به دست آوردن حامی اجتماع هم خواهد شد «مقبولیت» است. قدرت مقبولیت بخشی مربوط به درد نان و بخشی دیگر فراتر از درد نان است. گاهی فرد حتی آرام‌د و کسب و کار خوبی هم دارد اما چون بین اطرافیان مقبولیت ندارد در مسائل اقتصادی احساس درد می‌کند.

به اعتقاد دکتر داوودی نژاد اگر کسی بتواند از مقبولیت یک جوان رادر جامعه بشناسد یک جوان عادی را به جریان ساز مثبت تبدیل خواهد کرد.

وی تأکید کرد: اگر در کنار نیازهای ظاهری مثل اشتغال، ازدواج و مسکن قدرت خلق موارد ذکر شده را برای جوان ایجاد کنیم، جوان امروزی به رشد و بالندگی می‌رسد. مقبولیت و جایگاه اگر از سوی خانواده و جامعه برای جوان ایجاد می‌شود او را به هنجار تبدیل خواهد کرد.

وی در پایان اظهارات خود دو توصیه داشت که یکی خطاب به والدین و خانواده‌ها و دیگری به مسئولان بود. این روان‌شناس و متخصص حوزه خانواده خاطر نشان کرد: به خانواده‌ها می‌گویم جوان شما جوان خوبی است و نمره جوان شما یک شبه صفر نمی‌شود. دکتر داوودی نژاد در توضیح بیشتر خطاب به خانواده‌ها به خصوص والدین گفت: والدین باید بدانند با هر خطای جوان صرفاً یک نمره منفی داده شود نه اینکه او را از گردونه خارج کنیم، چه بسا حتی کسانی بودند که مرود شدند و برگشتند، در نتیجه به هر اندازه جوان را خوب ببینیم خوب می‌شود چرا که روان‌شناسان معتقدند شخصیت افراد بر اساس نگاه افراد به آنها شکل می‌گیرد. هر اندازه جوانان را بد ببینیم بیشتر سمت بدی می‌روند و هر اندازه خوب ببینیم گرایش به سمت خوبی و خیر خواهند داشت. وی در خطاب مستقیم به والدین گفت: امیدوار باشید، برای او دعا کنید و قدم خیر بردارید چرا که امام صادق(ع) فرمودند، هر گاه نگران عقبیت بخیری فرزندانادت شدی یک سال روزی ۵۰۰ را قرآن برای او بخوان تا برگردد.

این روان‌شناس در توصیه دوم خود خطاب به مسئولان متذکر شد: معذل جمهوری اسلامی ایران در کشور در مورد جوان‌های خوب بسیار بالااست و بیاجاست داخل آقیانوس یک اقیانوس را نجس نمی‌کند، چنانچه رهبر انقلاب هم به جوانان اعتماد دارند در نتیجه به جوان‌ها اعتماد کنید، برای آنها قدم بردارید و جایگاه بیشتری برای حضور و میداناری به آنها بدهید.

نسل Z و هویتِ معلق میان دیدن و نداشتن!



گاهی فقط به کناره گیری، بی‌تفاوتی یا طنز تلخ ختم می‌شود، اما همین واکنش‌های ظاهراً منفعل، نشانه شکاف عمیق هویتی هستند.

خانواده نیز دیگر نقش پیشین خود را در هویت‌بخشی ایفا نمی‌کند. نه به این معنا که بی‌اهمیت شده، بلکه به این معنا که خودش دچار بحران است. والدینی که با ناامینانی‌های اقتصادی و فرهنگی دست‌وپنجه نرم می‌کنند نمی‌توانند قطعیت گذشته را امتحان کنند. شکاف نسلی امروز بیشتر شکاف تجربه جهان است تا اختلاف ارزش‌ها. فرزند در جهانی رشد کرده که سرعت، پیچیدگی و نااطمینانی‌اش برای والدین قابل تصور نبوده است. نتیجه، نوعی تنهایی نسلی است؛ جوان باید بسیاری از پرسش‌های بنیادین را به تنهایی پاسخ دهد.

نظام آموزشی نیز سهم قابل توجهی در این وضعیت دارد. مدرسه و دانشگاه بیشتر به انتقالِ ختام ارزشی تمرکز کرده‌اند تا ساخت معنا. دانش‌آموز یاد می‌گیرد چگونه امتحان بدهد، اما کمتر یاد می‌گیرد که خودش را بفهمد. مهارت‌های هویتی،

مهاجرت برای بخشی از نسل Z، بیش از آنکه تصمیمی صرفاً اقتصادی باشد، واکنشی هویتی است. جست‌وجوی جایی که بتوان بدون توضیح اضافه زندگی کرد؛ جایی که روایت غالب زندگی با تجربه زیسته فرد فاصله کمتری داشته باشد، حتی اگر این مهاجرت فقط در حد رویا باقی بماند، خود میل به آن نشان‌دهنده بحران تعلق است. جوانی که احساس تعلق نکند، به‌سختی می‌تواند هویت پایدار بسازد.

در غیاب نهادهای مؤثر هویت‌بخش، الگوریتم‌ها نقش پررنگ‌تری پیدا می‌کنند. پیشنهاد محتوا، شکل‌دهی سلیقه و حتی هدایت احساسات، به دست سیستم‌هایی می‌افتد که هدفشان نه معنا، بلکه تعامل بیشتر است. الگوریتم‌ها مسئولیت‌پذیر نیستند، اما اثرگذارند. آنها می‌توانند خشم را تشدید کنند، امید را تقلیل یا واقعیت را تکه‌تکه نمایش دهند. جوان در این میان، ناخواسته به مصرف‌کننده هویت‌های آماده تبدیل می‌شود، با این همه، نسل Z صرفاً قربانی شرایط نیست. این نسل ظرفیت‌های قابل توجهی برای بازتعریف معنا دارد؛ تلاقی: تعاطف‌پذیری و حساسیت اجتماعی بالا. اما این ظرفیت‌ها بدون شنیده شدن، بدون مشارکت واقعی و بدون اعتماد، به فرسودگی تبدیل می‌شوند. هویت‌بخشی به این نسل باسختی‌های دشواری، شعار و نصیحت ممکن نیست. باید فضاهایی برای گفت‌وگو، تجربه و روایت مشترک ایجاد شود.

نسل Z آینه جامعه است. تصویری که در این آینه دیده می‌شود، شاید آراام، متناقض و خسته باشد، اما واقعی است. اگر این تصویر نگران‌کننده به نظر می‌رسد، شاید مسئله از نسلی که در آینه دیده می‌شود نباشد، بلکه از شرایطی باشد که آن را ساخته است. فهم این نسل، نه از سر ترجمه‌های آگاهانه بلکه به عنوان ضرورتی اجتماعی، اولین گام برای بازسازی معنادر جامعه‌ای است که همه، کم‌وبیش در آن معلق مانده‌ایم.

مدیرمسئول: محمد جواد اخوان
سردبیر: غلامرضا صادقیان
دبیر وپزه‌نامه: حسین گل محمدی
همکاران تحریریه: نیره ساری، نیره محمودی
محبوبه قربانی
چاپ: همشهری

کاشانه

نکته



نهال‌هایی که نیاز به آبیاری دارند

تاریخ به صورت خطی پیش می‌رود اما روحیه و منش نسل‌هایی که در این مسیر شکل می‌گیرند، تفاوت‌های بنیادینی با یکدیگر دارند. امروز در آستانه دو تقارن مبارک یکی میلاد

محبوبه قربانی

علی‌اکبر(ع) و دیگری آغاز دهه فجر همان روزهایی که به تعبیر معمار انقلاب «فجرآور» بود، هستیم. به بهانه این دو تقارن نگاهی داریم به جوانان در روزهای اول انقلاب اسلامی و جوانان امروز؛ تصویری روشن از دستاوردها و چالش‌های پیش رو. نسل دهه ۵۰، فرزندان انقلاب و دفاع بودند؛ نسلی که در کوران حوادث و در گرمای دفاع از خاک و ناموس، شخصیت خود را شکل دادند. آنان در مدرسه‌ای که درس‌هایش ایمان، ایثار و بندگی خدا بود تحصیل می‌کردند. شاید به همین خاطر نماد بی‌بدیل این نسل در چهره پرنور شهید «حسین فهمیده» دیده شد؛ نوجوانی که در سن ۱۳ سالگی، با لیکب به ندای ولایت فقیه زمانه‌اش و باروخی سرشار از عشق به اهل‌بیت(ع)، خود را به زیر تانک دشمن انداخت و آنچنان در تاریخ درخشید است. آن نسل، نسل «اما می‌توانیم» و نسل «ایستاده در برابر طغوت» بود. نقاط قوت آن نسل در باورهای راسخ، سادگی و بی‌ربایی و مهم‌تر از همه، در اتصال مستقیم قلبی به آرمان‌های انقلاب و رهبری دیده می‌شد. برای آنان انسان، مفاهیمی مانند شهادت، ایثار و دیانت، نه شعارهای انتزاعی بلکه راهکارهای عملی برای زندگی بود.

در سوسی دیگر میدان، نسل نوجوان و جوان امروز قرار دارد؛ نسلی که در عصر انفجار اطلاعات، فضای مجازی و پیشرفت‌های تکنولوژیک با به عرصه گذاشته است. این نسل با هوشمندی و ظرفیت‌های تحلیلی بالایی به دنیا آمده است. آنان به راحتی با ابزارهای دیجیتال کار می‌کنند، به زبان دنیا صحبت می‌کنند و از اطلاعات گسترده‌ای برخوردارند، با این حال این نسل با چالش‌های عمیقی روبه‌رو است. غرق شدن در دنیای مجازی، فردگرایی افراطی، بحران هویت و کاهش تاب‌آوری در برابر مشکلات واقعی، از جمله ویژگی‌های شایع در میان بخشی از نوجوانان و جوانان امروز است. متأسفانه، دشمنان قسم‌خورده با شناخت دقیق این فضای خالی، با تولید محتوای سمی و شبهه‌افکن، سعی در انحراف این نسل دارند تا آنها را از ارزش‌های اصیل ایرانی – اسلامی دور کنند، اما در قضاوت منصفانه باید گفت امروزه از آن دست نوجوانان و جوانان فداکار و معتقد کم نداریم. در میادین مختلف علمی، فرهنگی و حتی دفاع از حریم اهل بیت(ع)، جوانان بسیاری حضور دارند که دل‌های‌شان برای ولایت می‌تپد اما واقعیت تلخ این است که برای جلب رضایت عمومی نسل امروز و به ویژه طیف‌هایی که تحت تأثیر جنم نرم قرار گرفته‌اند، جای کار بسیاری باقی است. بسیاری از آنها، به ویژه آنانی که در فضای مجازی با عنوان «نسل نت» شناخته می‌شوند، در معرض تهاجم فرهنگی سنگینی قرار دارند. باید آنها را از دهان گرگ‌های گرسنه بی‌بدن و معاند بیرون بکشیم و این فرصت طلایی و سرمایه عظیم انقلاب را در اختیار دشمنان بیرون و درون کشور قرار ندهیم.

اکنون پرسش اساسی این است: مقصر کیست؟ نمی‌توان تقصیر را تنها بر دوش یک نهاد انداخت. خانواده‌ها به عنوان اولین حلقه تربیتی، مسئولیت سنگینی بر عهده دارند. گاهی غفلت والدین، عدم‌آشنایی با فضای مجازی و بر کردن عاطفی فرزندان با پول و امکانات در جای وقت محبت، آنها را به سمت پوچی‌ها سوق داده است. از سوی دیگر، مسئولان فرهنگی و آموزشی کشور نیز باید پاسخگو باشند. وقتی محتوای جذاب، متنوع و پاسخگوی نیازهای روز نوجوان تولید نمی‌شود، طبیعی است که نوجوان به سمت محتوای‌های وار داتی و معرضانة برود. ضعف در ارائه الگوهای جذاب دینی و ملی و عدم‌استفاده از ظرفیت هنر و رسانه برای ترویج ارزش‌ها از نقاط ضعف مدیریتی است که باید مورد توجه قرار گیرد.

برون رفت از این چالش فرهنگی، نیازمند یک حرکت جهادی و همگانی است. راهکار نخست، بازگشت به خانواده معنوی است؛ خانواده‌ای که در آن گفت‌وگو جایگزین دستور و خود و والدین با زبان نوجوانان و دنیای آنها آشنا باشند. مسئولان نیز باید از حالت تدافعی خارج شوند و به حالت تهاجم فرهنگی و تولید محتوای شاد، عمیق و بومی در آیند. باید به نوجوان امروز نشان داد دین و انقلاب، مانع پیشرفت و شادی نیست بلکه چتر امنیتی است که در سایه آن می‌توان به شکوفایی واقعی رسید.

در پایان، باید یادآور شد که نوجوان و جوان امروز همان ظرفیت عظیم حسین فهمیده‌ها را در نهاد خود دارد. اما این ظرفیت و نهال نیاز به آبیاری و مراقبت دارد. اگر بتوانیم با هوشمندی و درایت زبان مشترک با این نسل پیدا کنیم، آنها دوباره خواهند درخشید و تاریخ تکرار خواهد شد آن هم با درخششی در عرصه‌های دانش و تمدن‌سازی اسلامی.